

اندیشه‌های استاد مطهری مد ظله العالی ۲
دین‌شناسی

سید امیرالله حسینی مؤمن زاده

مرکز بین‌المللی
ترجمه و نشر
المصطفی ص

سرشناسه: حسینی مؤمن زاده، سید امرالله، ۱۳۵۶ -
 عنوان و نام پدیدآور: اندیشه‌های استاد مطهری رحمته الله علیه / سید امرالله حسینی مومن زاده.
 مشخصات نشر: قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی رحمته الله علیه، ۱۳۹۴.
 شابک: دوره: ۴-۳۳۶-۱۹۵-۹۶۴-۹۷۸
 ج. ۲: ۴-۳۴۹-۱۹۵-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه
 موضوع: مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۸
 شناسه افزوده: جامعه المصطفی رحمته الله علیه العالمية
 مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی رحمته الله علیه
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ح ۵/م ۶/۲۳۳ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۶۳۲۳۵

اندیشه‌های استاد مطهری رحمته الله علیه / سید امرالله حسینی مومن زاده
 مؤلف: سید امرالله حسینی مومن زاده
 چاپ اول: ۱۳۹۴ ش / ۱۴۳۶ ق
 ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی رحمته الله علیه
 چاپ: نازنجستان • قیمت: ۲۴۰۰۰۰ ریال • شمارگان: ۳۰۰ نسخه

باسپاس از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند.

قم، چهارراه شهدا، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نیش کوچه ۱۸، تلفکس: ۰۲۵ - ۳۷۸۳۹۳۰۵/۹
 قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه، تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۳۳۱۰۶ - فکس: ۰۲۵ - ۳۲۱۳۳۱۴۶
 قم، مجتمع ناشران، طبقه سوم واحد ۳۰۸، تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۴۰۲

pub.miu.ac.ir

miup@pub.miu.ac.ir

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیّبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌باشد.

«جامعة المصطفیٰ (ص) العالمیة» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی (ص) «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ (ص)» را تأسیس کرده است. در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفیٰ (ص)

فهرست

۱۳	پیش گفتار
۲۱	مقدمه
بخش اول: دین	
۲۵	۱. کلیات
۲۵	تعریف دین
۳۲	دین شناسی
۳۴	شباهات دینی
۴۵	ضرورت تدوین کلام جدید
۴۹	۲. منشأ دین
۴۹	مقدمه
۵۶	نقد و بررسی نظریات در باب منشأ دین
۵۶	۱. نظریه «باخودیگانگی»
۶۰	۲. نظریه «جهل»
۶۴	۳. نظریه «ترس»
۶۷	۴. نظریه «ناهمواری‌های اجتماعی» یا «تثبیت امتیازات طبقاتی»
۶۷	الف) نظریه مارکس و مارکسیسم
۷۱	ب) نظریه نیچه
۸۱	ج) نظریه مسلمانان مارکس زده
۸۵	۵. نظریه بازگشت به ازخودیگانگی
۸۷	۶. فرضیه توتم و تابو
۸۸	۷. بازتاب روان ناخودآگاه

۸۹	۸. خودخواهی و علاقه به سرنوشت خود
۸۹	منشأ گرایش به توحید
۹۲	جمع‌بندی نظریات گذشته
۹۷	نظریه فطرت در باب منشأ دین
۱۰۴	دلایل فطری و طبیعی بودن میل دینی
۱۰۴	۱. دلایل عقلی
۱۰۴	الف) از نظر عمومیت
۱۰۴	ب) از نظر مراجعات
۱۰۴	ج) از نظر آثار و مصنوعات
۱۰۵	د) از نظر جاودانگی
۱۰۶	ه) از نظر سازگاری با طبیعت
۱۰۶	۲. دلایل نقلی (قرآن و حدیث)
۱۱۱	نتیجه‌گیری
۱۱۳	۳. علل اعراض از دین و گرایش به مادیگری
۱۱۳	مقدمه
۱۲۰	علل گرایش به مکاتب مادیگری در فضای غرب
۱۲۰	۱. نقش کلیسا
۱۲۱	الف) نارسایی مفاهیم کلیسایی در مورد خدا و ماوراء الطبیعه
۱۲۲	ب) خشونت‌های کلیسا
۱۲۴	۲. نقش فلسفه غرب در ارائه مفاهیم نارسا
۱۲۴	الف) علت نخستین
۱۲۵	یکم. اصالت وجود
۱۲۷	دوم. مناط و ریشه نیازمندی اشیاء به علت
۱۳۱	ب) توحید و تکامل
۱۳۵	ج) ازلیت ماده
۱۳۶	د) خدا یا آزادی؟
۱۳۶	ه) اثبات خدا از راه نفی علت
۱۳۷	و) شبهه در تحلیل آفرینش و خلقت
۱۳۹	ز) خدشه بر برهان نظم
۱۴۳	۳. نارسایی مفاهیم اجتماعی و سیاسی غرب
۱۴۴	عوامل مشترک گرایش به مادیگری و اعراض از دین
۱۴۴	۱. اظهار نظر غیرمتخصص

۱۴۵	خداپرستی و زندگی
۱۴۹	۲. محیط اخلاقی و اجتماعی نامساعد
۱۵۴	۳. سنگر قهرمانی و پرخاشگری
۱۵۷	۴. عادات
۱۵۷	۵. جهل و اغفال
۱۶۱	نتیجه و ارائه راهکار
۱۶۵	۴. دین و علم
۱۶۵	مقدمه
۱۶۶	ریشه دوهم تضاد دین و علم
۱۷۵	علم و ایمان
۱۷۵	۱. منشأ علم و ایمان
۱۷۶	۲. تفاوت‌های علم و ایمان
۱۷۷	۳. همبستگی علم و ایمان
۱۸۶	نظر اسلام درباره علم
۱۸۶	۱. دعوت اسلام به علم
۱۹۲	۲. اسلام به کدام علم دعوت کرده است؟
۱۹۴	الف) استقلال و عزت جامعه اسلامی
۱۹۴	ب) وابستگی شئون زندگی به علم
۱۹۴	ج) وابستگی سایر فرایض به فریضه علم
۱۹۸	۳. قداست علم
۲۰۱	۵. عقل و دین
۲۰۱	مقدمه
۲۰۲	عقل در قرآن کریم
۲۰۴	۱. اصالت دادن به دلیل عقلی
۲۰۶	۲. دعوت به تعقل
۲۰۷	۳. استفاده از نظام علّی و معلولی
۲۰۷	۴. بیان فلسفه احکام
۲۰۸	۵. مبارزه با لغزش‌های عقل
۲۰۹	الف) اخذ گمان به جای یقین
۲۱۱	ب) تقلیدهای ناروا
۲۱۲	ج) پیروی از هوای نفس
۲۱۳	د) شتابزدگی در قضاوت

۲۱۳	 (ه) شخصیت گرایی
۲۱۵	 عقل در سنت اسلامی
۲۱۸	 هماهنگی عقل و دین
۲۲۱	 ۶. نیاز بشر به دین و ایمان
۲۲۱	 مقدمه
۲۲۲	 نیاز فردی انسان به دین و ایمان
۲۲۷	 نیاز اجتماعی انسان به دین و ایمان
۲۳۵	 نیاز اخروی بشر به دین
۲۳۷	 ۷. آثار، فواید و کارکردهای دین و ایمان
۲۳۷	 مقدمه
۲۳۸	 نقش ایمان و دین در زندگی فردی انسان
۲۳۸	 ۱. خروج از خرد خواهی
۲۳۹	 ۲. آرمان بخشی
۲۴۰	 ۳. تمرکز نیروها
۲۴۱	 ۴. خوشبینی به جهان
۲۴۱	 ۵. روشندلی
۲۴۱	 ۶. امیدواری
۲۴۳	 ۷. آرامش خاطر
۲۴۷	 ۸. لذت‌های معنوی
۲۴۸	 ۹. کاهش ناراحتی‌ها و غلبه بر سختی‌ها
۲۴۹	 ۱۰. سلامت جسم و جان
۲۵۲	 نقش دین و ایمان در زندگی اجتماعی انسان
۲۵۲	 ۱. بهبود روابط اجتماعی
۲۵۴	 ۲. ایجاد همدلی
۲۵۵	 ۳. ایجاد هماهنگی بین فرد و جامعه
۲۵۷	 ۴. پشتوانه اخلاق و معنویات
۲۶۱	 چند نکته
۲۶۱	 ۱. ایمان هدف است، نه وسیله
۲۶۲	 ۲. فعلیت یافتن آثار ایمان
۲۶۳	 ۳. مهارت استفاده از دین
۲۶۳	 ۴. روح دین
۲۶۴	 ۵. روح ایمان

۲۶۵	۶. درجات ایمان
۲۶۷	۸. ایمان و عمل
۲۶۷	مقدمه
۲۶۸	ارکان سعادت بشر
۲۷۹	نقد «فلسفه عمل» و «گریز از ایمان»
۲۸۱	اصالت ایمان
۲۸۴	وابستگی عمل به ایمان
۲۸۷	نقد «تحقیر عمل گریز از آن»
۲۹۷	۹. پلورالیسم یا کثرت گرایی دینی
۲۹۷	مقدمه
۲۹۸	دین، نه ادیان
۳۰۲	راه نجات، تم راههای نجات
۳۰۴	۱. صراط مستقیم
۳۰۶	۲. شرایط قبولی عمل
۳۰۸	الف) ایمان به مبدأ و معاد
۳۱۷	ب) ایمان به نبوت و امامت
۳۲۳	۳. نداشتن کفر و عناد
۳۲۹	۱۰. آینده دین
۳۲۹	راز ماندگاری و جاودانگی دین
۳۲۹	۱. از نظر حقیقی و نافع بودن
۳۳۱	۲. از نظر طبیعی و فطری بودن
۳۳۷	پیشگویی درباره آینده دین
۳۴۷	اسلام؛ زنده و موج آفرین

بخش دوم: مکتب و ایدئولوژی

۳۵۵	مقدمه
۳۵۵	نیاز انسان به مکتب و ایدئولوژی
۳۶۲	شناخت، جهان بینی، ایدئولوژی
۳۶۵	۱. شناخت؛ معرفت شناسی
۳۶۵	مقدمه
۳۶۷	امکان شناخت (یقینی)

۳۷۴	منابع شناخت
۳۷۴	۱. طبیعت (منبع بیرونی)
۳۷۵	۲. عقل (منبع درونی)
۳۷۶	۳. قلب و دل یا ضمیر
۳۷۹	۴. تاریخ
۳۸۱	ایزاد‌های شناخت
۳۸۱	۱. حواس
۳۸۲	۲. قوه عاقله
۳۸۲	۳. عمل
۳۸۲	۴. تزکیه نفس
۳۸۵	مراحل و درجات شناخت
۳۸۶	مکانیسم شناخت
۳۹۶	ملای شناخت
۳۹۶	۱. مطابقت با واقع
۳۹۶	۲. توافق اهل زمان
۳۹۷	۳. نافع و مفید بودن
۳۹۹	۴. مواجهه حواس با خارج
۴۰۰	۵. مطابقت با تجربه و عمل
۴۰۰	معیار شناخت
۴۰۸	موانع شناخت
۴۰۸	متد شناخت
۴۰۹	دوام شناخت
۴۰۹	تحول و تکامل شناخت
۴۱۱	تغییر و تبدل شناخت
۴۱۵	۲. جهان‌بینی (جهان‌شناسی)
۴۱۵	مقدمه
۴۱۶	تعریف جهان‌بینی
۴۱۷	معیارهای جهان‌بینی مطلوب
۴۱۷	۱. منطقی بودن
۴۱۷	۲. سهولت
۴۱۸	۳. جهت بخشی و تکلیف‌سازی
۴۱۸	۴. تعهد‌آوری و مسئولیت‌سازی

۴۱۹	۵. آرمان‌سازی و جذابیت
۴۱۹	۶. تقدس بخشی
۴۲۰	۷. زیربنایی
۴۲۰	۸. هماهنگ‌سازی
۴۲۰	۹. معنا بخشی
۴۲۱	انواع جهان‌بینی
۴۲۱	۱. جهان‌بینی علمی
۴۲۳	۲. جهان‌بینی فلسفی
۴۲۳	۳. جهان‌بینی مذهبی
۴۲۳	۴. جهان‌بینی توحیدی
۴۲۷	۳. ایدئولوژی
۴۲۷	تعریف ایدئولوژی
۴۲۸	انقسام ایدئولوژی
۴۲۹	۱. ایدئولوژی‌های گروهی
۴۲۹	۲. ایدئولوژی‌های انسانی
۴۳۰	ویژگی‌های ایدئولوژی برتر
۴۳۰	۱. کارآمدی
۴۳۱	۲. یگانگی و شمول
۴۳۱	۳. ثبات و جاودانگی
۴۳۳	۴. اسلام؛ مکتب جامع و همه‌جانبه
۴۳۳	مقدمه
۴۳۷	مشخصات اسلام از نظر شناخت‌شناسی
۴۳۸	مشخصات اسلام از نظر جهان‌بینی
۴۳۸	۱. واقع‌گرایی
۴۳۸	۲. توحید؛ واقعیت مطلق و مبدأ هستی
۴۴۱	۳. عبادت و پرستش
۴۴۲	۴. جهان‌شناسی
۴۴۷	۵. ایمان به غیب یا جهان غیر مادی
۴۵۵	۶. رابطه دنیا و آخرت
۴۵۶	۷. حکمت بالغه و عدل الهی
۴۵۷	۸. انسان و جامعه
۴۵۹	۹. انسان و مسئولیت

۴۶۲	 مشخصات ایدئولوژیکی اسلام
۴۶۲	 ۱. خاستگاه انسانی
۴۶۴	 ۲. جامعیت و همه جانیگی
۴۶۵	 ۳. اجتهاد پذیری
۴۶۵	 ۴. سماحت و سهولت
۴۶۵	 ۵. زندگی گرایی و مبارزه با رهبانیت
۴۶۶	 ۶. اجتماعی بودن
۴۶۶	 ۷. احترام به حقوق و آزادی فرد
۴۶۶	 ۸. تقدم حق اجتماع بر فرد
۴۶۶	 ۹. اصل شورا
۴۶۷	 ۱۰. نفی ضرر
۴۶۷	 ۱۱. اصالت فایده
۴۶۷	 ۱۲. اصالت خیر در مصادلات
۴۶۷	 ۱۳. حرمت ربا
۴۶۷	 ۱۴. نفی شرر
۴۶۸	 ۱۵. ضدیت با ضد عقل ها
۴۶۸	 ۱۶. ضدیت با ضد اراده ها
۴۶۸	 ۱۷. قداست کار و شغل
۴۶۸	 ۱۸. منع استثمار
۴۶۹	 ۱۹. حرمت اسراف و تبذیر
۴۶۹	 ۲۰. توسعه در زندگی
۴۶۹	 ۲۱. حرمت رشوه
۴۶۹	 ۲۲. حرمت احتکار
۴۶۹	 ۲۳. درآمد بر پایه مصلحت نه مطلوبیت
۴۷۰	 ۲۴. قداست دفاع از حقوق
۴۷۰	 ۲۵. اصلاح اجتماعی
۴۷۰	 ۲۶. توحید
۴۷۱	 ۲۷. الغای وسایط
۴۷۱	 ۲۸. همزیستی یا اهل توحید
۴۷۱	 ۲۹. مساوات
۴۷۱	 ۳۰. حقوق زن
۴۷۳	 کتابنامه

پیش گفتار

در جلد نخست از این مجموعه، پیش گفتار مفصل بیست صفحه‌ای ارائه شد که برای آشنایی کسانی که تنها جلد پیش رو را در اختیار دارند خلاصه‌ای از آن را در اینجا می‌آوریم:

۱. استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری در سیزدهم بهمن ۱۲۹۸ هـ. ش مطابق با ۱۲ جمادی‌الاولی ۱۳۳۸ هـ. ق در قریه فریمان از توابع شهر مقدس مشهد به دنیا آمد؛ تا سن دوازده سالگی در زادگاهش بود پدر خویش مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفت و در سیزده سالگی (۱۳۱۲ هـ. ش) راهی مشهد مقدس شد و به مدت دو سال در مدرسه ابدال خان به تحصیل علوم دینی پرداخت. سپس به قسم مهاجرت کرد و از محضر اساتید بزرگی چون آیت الله بروجردی، امام خمینی، علامه طباطبایی و میرزا علی آقا شیرازی استفاده‌های فراوان برد و در علوم عقلی و نقلی به درجه اجتهاد رسید. در سال ۱۳۳۱ هـ. ش به تهران رفت و در دانشگاه تهران با سمت استادی به تدریس و تحقیق و در کنار آن به تبیین ایدئولوژی انقلاب اسلامی و مبارزه با جریانهای فکری منحرف پرداخت. او سرانجام در دوازده اردیبهشت ۱۳۵۸ هـ. ش توسط گروه منحرف فرقان به درجه رفیع شهادت نایل آمد. شهید مطهری در طی دو دهه کار علمی و فرهنگی به احیای تفکر اسلامی پرداخت و از خود آثار تاثیرگذار و جاودانی را باقی گذاشت که سرچشمه فیاض و بی‌پایانی است که در طی پنجاه سال گذشته همواره فکر و جان مشتاقان به معارف ناب اسلامی را سیراب کرده و می‌کند.

۲. شهید مطهری راز انحطاط و تأخر رقت بار مسلمانان در جهان امروز را برداشت غلط رایج آنان از آموزه‌های اسلامی که خاصیت حیات‌بخشی را از آن گرفته و موجب

رکود و سکون جامعه اسلامی شده است می‌داند؛ لذا به دنبال اصلاح و تجدید حیات تفکر و پیش جامعه اسلامی درباره اسلام است. او دستیابی به تفکر اصیل اسلامی را از این جهت ضروری می‌داند که اولاً مسلمانان تا آن تفکر صحیح را به دست نیاورند از مسلمانی خود نتیجه‌ای نمی‌گیرند و ثانیاً نمی‌توانند پاسخگوی عطش دیگران در پیوستن به این مکتب باشند. وی بر این عقیده بود که ما باید اصول فکری اسلام درباره خدا، جهان، انسان و اجتماع را احیا کنیم؛ یعنی همان‌طور بیاندیشیم که در آموزه‌های اسلام است. مسلمان یکی از علل انکار و دوری‌گزینی بسیاری از افراد تحصیل کرده از دین همین آموزش ناصحیح مفاهیم مذهبی و دینی است و آنچه در باب خدا و دین انکار می‌کنند، مفهوم واقعی خدا و دین نیست؛ بلکه مفهوم نامعقولی است که با عقل و علم و منطق پذیرفتنی نیست و چون عقیده به خدا را جز به همان شکل غیرمنطقی تصور نمی‌کنند منکر آن می‌شوند، از این رو کوشش فراوانی لازم است تا اصول و مبانی مذهبی به درستی و واقعی به افراد تعلیم و القا شود. در چنین شرایطی وظیفه عالم دینی در درجه اول مبارزه با بدعت‌ها و تحریف‌ها و اصلاح تفکر جامعه اسلامی است. استاد مطهری در پی یک رستخیز در زمینه تفکر دینی و یک نهضت روشنگر اسلامی است و به گفته ایشان همه فعالیت‌های مذهبی خود را در راه تعلیم صحیح و معقول مفاهیم دینی و مذهبی متمرکز کرده و سعی دارد با گزینش مهم‌ترین و لازم‌ترین موضوعات، تا حد امکان حقایق اسلامی را آن‌چنان که هست ارایه دهد؛ از این رو به استقبال شبهات، سؤالات و تشکیکات در عرصه دین پژوهی می‌رود و آنها را نه تنها خطرناک نمی‌داند بلکه موجب روشن شدن و رونق بیشتر حقایق اسلام می‌داند. وی برای تبیین حقایق اسلام به دنبال آن است که از دلیل به مدعا برسد و نه آن‌که برای مدعای خود به دنبال دلیل‌های ساختگی و تراشیدنی برود؛ بدین منظور سال‌ها تلاش بی‌وقفه کرد و در این راه با جان و مال و همه هستی خود به مجاهده برخاست.^۱ وی نه به کثرت و قلت مخاطبان توجه

۱. رک: مرتضی مطهری، انسان و سرنوشت ص ۸- ۱۰؛ امدادهای غیبی ص ۴۷ و ۴۸؛ حق و باطل ص ۱۳۵ و ۱۳۶؛ ده گفتار ص ۱۳۱- ۱۳۶ و ۱۴۳- ۱۵۱؛ عدل الهی ص ۱۶- ۱۳؛ مسئله حجاب ص ۲۵۷؛ نظام حقوق زن در اسلام، ص ۴۷؛ پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۱۳۴ و ۱۳۵؛ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۵۱- ۵۴؛ فلسفه تاریخ، ج ۲، ص ۱۳۶ و یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱، ص ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۸ و ۱۶۶.

می‌کرد و نه به تحسین موافقان، و نه به جنجال و هیاهوی مخالفان. او تنها به بیان حقیقت توجه داشت و می‌دانست که خورشید حقیقت پشت ابر جهالت باقی نمی‌ماند. استاد مطهری در صدد پایه‌ریزی فلسفه اجتماعی اسلام بود که به نظر وی از هفتصد سال پیش متروک و باب آن بسته شده است؛^۱ همچنین تأسیس یک کلام جدید را برای حل شبهات جدید لازم و ضروری می‌دانست.^۲ شهید مطهری در مجموعه گرانسنگ و ارزشمندی که از خود به یادگار گذاشته در صدد معرفی اسلام به عنوان یک مکتب و ایدئولوژی جامع و مستقل است؛ به عقیده وی اسلام در ذات خود یک «کل تجزیه‌ناپذیر»^۳ یک مکتب، یک اندام و یک مجموعه هماهنگ است که شناخت آن به صورت یک مکتب لازم است. همه تعالیم اسلام را باید در آن اندام و ترکیبی که وجود دارد بشناسیم. برای یک اندام یک عضو به تنهایی ارزش ندارد، باید راه و هدف، اصول و پایه‌ها، معارف، اخلاق، مقررات و احکام این مکتب را با هم شناخت.^۴ باید فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ، فلسفه سیاسی، فلسفه اقتصادی، فلسفه دین، فلسفه الهی خود اسلام را که از متن تعلیمات اسلام الهام بگیرد تدوین کرده و در اختیار افراد قرار داد.^۵ ما باید مکتب و ایدئولوژی مستقل و بی‌نیاز به غیر خود را که همان اسلام خالص و بدون شائبه است بدون خجالت و شرمندگی آن‌چنان که واقعا هست، به دنیا و جهانیان معرفی و عرضه کنیم، والا بدون استقلال فرهنگی با آن‌که به استقلال سیاسی و اقتصادی دست یافته‌ایم شکست خواهیم خورد و نخواهیم توانست انقلاب اسلامی را به ثمر برسانیم.^۶

۳. توصیه امام عزیز ما این بود که نگذاریم کتاب‌های این استاد عزیز با دسیسه‌های غیر اسلامی فراموش شود،^۷ در این زمینه کارهای فراوانی صورت گرفت؛ ولی آنچه

۱. مرتضی مطهری، یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۶، ص ۲۱۳ - ۲۱۵.

۲. همان، پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۳۸.

۳. همان، نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، ص ۶۸.

۴. همان، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۴۷ - ۳۴۹.

۵. مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، ص ۷۲.

۶. پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۶۵ و ۶۶ و همان ص ۱۶۰ - ۱۶۵، پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۳۸؛ نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، ص ۶۸.

۷. پیام امام خمینی رحمه الله به مناسبت سالروز شهادت استاد مطهری.

پیش از همه جای آن خالی بود و بارها مورد توصیه بزرگان بود ارایه فهرست موضوعی محتوایی از آرا و نظریه‌های استاد مطهری بود، چراکه گستردگی و پراکندگی آرا و نظریه‌های ایشان، دسترسی آسان و سریع به هر یک از آرا و نظریه‌ها یا تمام جوانب را با مشکل مواجه کرده بود. همین جهت، ضرورت شکل‌گیری مجموعه حاضر را ایجاب می‌نمود، تا آنجا که رهبر معظم انقلاب اسلامی به صراحت به این مطلب اشاره کرده و اظهار امیدواری کرده‌اند که این کار انجام شود.^۱ این حقیر که از سال‌ها پیش با آثار استاد مطهری مأنوس و به مطالعه آن مشغول بوده‌ام در خلال مطالعات و تحقیقات خود به این نکته پی بردم و به فضل و یاری خداوند بدان همت گماشتم و پس از شش سال کار مستمر شبانه روزی موفق شدم این امر را به پایان ببرم و هم اکنون این مجموعه را با ویژگی‌های زیر به جامعه اسلامی تقدیم می‌نمایم:

۱-۳. کاری که در این مجموعه شده از نظر روش‌شناسی عبارت است از:

جمع‌آوری، خلاصه‌سازی، یکسان‌سازی مباحث تکراری، عنوان دهی، تبویب، تکمیل و بازسازی همه نظریه‌ها در یک مجموعه با فهرست موضوعی مفصل و دقیق، امری که خود استاد مطهری هم آرزوی آن را داشت و در برخی موارد بدان تصریح کرده است.^۲

برای این کار همه آثار استاد مطهری بدون استثنا خط به خط و کلمه به کلمه مطالعه و استفاده شده است و هر مطلبی به هر نظریه‌ای که مرتبط بوده، پیوست گردیده است. در موارد بسیاری مطالب چند بعدی بوده و از چند جنبه بیان شده است، ما هر مطلب را به نظریه مرتبط به آن ملحق کرده‌ایم، اگر اعتقادی است به بحث اعتقادات، اگر اخلاقی است به بحث اخلاق و اگر اجتماعی است به مباحث اجتماعی و... و برعکس برخی مطالب با چندین نظریه پیوند دارند که در همه نظریات آورده شده‌اند. در برخی موارد برای هر سطر ساعت‌ها فکر شده که چگونه و در کجا گنجانده شود و یا چند صفحه و پاراگراف از چند کتاب مختلف که همه یک مطلب را ولی با تعییرات مختلف بیان می‌کرده‌اند، برای این که همه تعبیرها و اصطلاحات استاد را بیاوریم و در

۱. رک: سخنرانی در جمع گروهی از معلمان و کارگران در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۱۲.

۲. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی (ع) ص ۲.

عین حال، اطناب مُمل و ایجاز مُخل پیش نیاید مدت‌ها اندیشه شده است. همه مطالب و عبارات و مواد از خود استاد است ما تنها صورت را تغییر داده‌ایم و تلاش شده که هیچ مطلبی از دست نرود.

هم از نظر شکل یعنی چگونگی تدوین، تبویب، و عنوان دهی و هم از نظر محتوا، از آنچه در آثار مکتوب استاد بوده پیروی شده است: یعنی جمله پایه و ترتیب مطالب را به ترتیبی چیده‌ایم که در کتب دست نوشته استاد آمده است و سپس مطالب دیگر را به آن افزوده‌ایم.

اغلب عناوین نیز از متن الهام گرفته شده و با توجه به محتوا استنباط شده است. از نظر نگارشی نیز اصلاحاتی انجام شده است. در جایی که چند جمله دارای یک محتوا بوده، با استفاده از همه واژگانی که در جملات مختلف آمده است را به یک جمله تبدیل کرده‌ایم. مثلاً در جایی ایشان می‌فرماید: فطرت ام المعارف است، در جای دیگر می‌گوید: ام المسایل است و در جای دیگر می‌آورد: اصل مادر است. ما آورده‌ایم: فطرت؛ ام المعارف، ام المسایل و اصل مادر در معارف اسلامی است.

۲-۳. در این مجموعه، تمام ارا و اندیشه‌های استاد شهید، تدوین و به صورت موضوعی دسته‌بندی شده است؛ از این رو نام مجموعه «اندیشه‌های استاد مطهری» است و در هر جلد مباحث مربوط به موضوعات آن جلد بررسی و تبیین شده است؛ مثلاً در جلد حاضر مباحث مربوط به «دین‌شناسی» آمده است.

۳-۳. برخلاف تصور رایجی که صبغه اندیشه‌ها و نظریه‌های استاد مطهری را فلسفی می‌داند، ویژگی بیشتر اندیشه‌ها و نظریات، «قرآنی» بودن آنهاست. البته ایشان از «روش فلسفی» برای بیان نظریه‌های اسلامی و قرآنی بهره برده است چنان که در مواردی به این روش تصریح دارد؛^۱ ولی استاد از اساس به دنبال نظر قرآن است و به این هدف بارها تصریح نموده است. به‌ویژه آن‌که ایشان همه نظریات خود را مبتنی بر نظریه قرآنی «فطرت» می‌داند. نظریه فطرت به تفصیل در جلد اول این مجموعه آمده است.

۱. مرتضی مطهری، عدل الهی، ص ۱۶؛ توحید، ص ۱۵ و ۳۲۱؛ فلسفه تاریخ، ج ۲، ص ۱۰۸؛ نبوت، ص ۳۴، ۴۰، ۴۲؛ امامت و رهبری، ص ۷۱، ۱۶۲، ۲۰۱ و معاد، ص ۷۱.

- ۴-۳. این مجموعه در هفت جلد به ترتیب ذیل ارایه شده است:
- جلد اول: تکامل اجتماعی انسان در تاریخ (انسان، جامعه و تاریخ)؛
- جلد دوم: دین‌شناسی؛
- جلد سوم: اصول عقائد اسلامی؛
- جلد چهارم: اخلاق و تعلیم و تربیت اسلامی؛
- جلد پنجم: نظریه‌های اجتماعی؛
- جلد ششم: سیره پیشوایان معصوم؛
- جلد هفتم: علوم و تمدن اسلامی.

نظریه‌های فلسفی صرف تدوین نشده است؛ لذا از برخی از کتاب‌های فلسفی مانند اصول فلسفه (۴-۱)، شرح منظومه و نقدی بر مارکسیسم استفاده نشده مگر مواردی که به مباحث ما پیوند داشته است. ان‌شاء الله در آینده‌ای نزدیک نظریه‌های فلسفی ایشان نیز تدوین خواهد شد. ضمن این‌که کتاب فلسفه مقدماتی در آثار استاد مطهری نوشته استاد عبدالرسول عبودیت این مهم را جامه عمل پوشانده است.

این تقسیم‌بندی و جزئیات آن موضوعات کلام جدیدی است که استاد مطهری تأسیس آن را لازم و ضروری دانسته و خود بدان همت گماشته بود.

۴. خداوند عزیز و متعال را شاکرم که به این حقیر توفیق انجام چنین کار پربرکتی را عنایت فرمود و از ساحت مقدس حضرات معصوم و اولیای الهی به‌ویژه حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفدا) سپاسگذارم که مرا یاری کردند و ان‌شاء الله این اثر مورد تأییدشان قرار بگیرد. از روح بلند شهید مطهری که همواره استمداد طلبیده‌ام و ایشان هم مرا دست‌گیری کرده‌اند و بلکه اصل ایجاد انگیزه در انجام این مهم برآمده از را عنایت ایشان می‌دانم و نیز از تمام کسانی که در تهیه این اثر بنده را یاری رسانده‌اند تشکر و قدردانی لازم به عمل می‌آورم؛ همچنین از مسؤولان محترم پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) که قسمتی از این فرصت و امکان را در اختیار بنده قرار دادند و از همسر من که در منزل محیط آرامی را فراهم کرد و بزرگوارانه و با سعه صدر مشکلات و کاستی‌ها را به جان خرید و خم به ابرو نیاورد و همواره چون یابری شفیق با بیانی پرمهر بر انگیزه معنوی من افزود و از پدر و مادرم که تا پایان عمر هر موفقیتی که

داشته باشیم را مدیون دعای خیر آنها هستیم و از دوستان و اساتید محترمی که با مشاوره خود به غنای این مجموعه افزودند، سپاسگزارم. ثواب این اثر را به ارواح طیبه معصومان علیهم السلام و همه شهیدان و مؤمنان از صدر اسلام تا به روز قیامت که اسلام و ایمان به وسیله آنان تقویت می شود، تقدیم می کنیم، همچنان که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: در ثواب مجاهدت ما همه کسانی که در آینده خواهند آمد و با ما هم عقیده هستند شریک خواهند بود.^۱

سید امراالله حسینی مؤمن زاده

قم المقدسه

هفتم رمضان ۱۴۳۴ هجری قمری

بیست و پنجم تیر ماه ۱۳۹۲ هجری شمسی

www.ketab.ir

۱. پس از جنگ جمل یکی از اصحاب به امیرمؤمنان علیه السلام عرض کرد: دوست داشتم برادرم نیز با ما بود و شاهد پیروزی مان می بود. حضرت فرمود: آیا دلش با ما بود؟ گفت: آری. حضرت فرمود: «پس او هم با ما بود و بلکه همه کسانی که در پشت پدران و رحم مادران هستند و در آینده به دنیا می آیند و ایمان به وسیله آنها تقویت می شود نیز با ما هستند و در ثواب عمل ما شریکند»؛ «وَقَدْ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ وَدِدْتُ أَنْ أَخِي فَلَانَا كَانَ شَاهِدَنَا لِرَبِّي مَا نَصَرَكَ اللَّهُ بِهِ عَلَيَّ أَغْدَا نَكَ فَقَالَ لَهُ * أَهْوَيْ أَحَبَّكَ مَعَنَا؟ فَقَالَ نَعَمْ، قَالَ * فَقَدْ شَهِدْنَا وَلَقَدْ شَهِدْنَا فِي عُنُكِنَا هَذَا أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ سَيَرَعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ وَ يَقْوِي بِهِمُ الْإِيمَانُ» نهج البلاغه، خطبه ۱۲.

مقدمه

علم کلام به عنوان یک معرفت واسطه‌ای متصدی دفاع از دین و معارف دینی است که یک علم صمد در صدد اسلامی است و در دامن فرهنگ اسلامی زاده و رشد کرده است و در مقابل، فلسفه یک دانش عقلی است که خود را وامدار دفاع از دین یا هر علم دیگری نمی‌داند بلکه کاوشی است عقلی و مستقل در باره هر موضوعی و از جمله دین، متنها در بحث دین به خصوص مباحث اسلامی به دلیل برخورد فلسفه و کلام اسلامی یک راه وسط پیدا شده است؛ یعنی فیلسوفان مسلمان از روش‌های فلسفی در دفاع از دین استفاده کرده‌اند مثل شهید مطهری که در موضوع عدل الهی و جاهلای دیگر تصریح دارد که روش فلسفی را به کار می‌گیرد نه روش کلامی، با این حال برای او آنچه اهمیت دارد دفاع از دین و ارایه چهره عقلانی از دین است. با توجه به این نکته، آنچه در این کتاب آمده است دو بخش دارد:

بخش نخست شامل آن دسته از آرا و نظریات شهید مطهری است که عموماً درباره خود دین است، که برخی منطبق با سرفصل‌های مباحث مطرح در فلسفه دین است، ولی برخلاف فلسفه دین که نگاه بی‌طرفانه دارد استاد مطهری در این مباحث در صدد دفاع از دین است، لذا ما از این که این مباحث را فلسفه دین بنامیم خودداری می‌کنیم. از طرف دیگر، چون این مباحث درباره خود دین است نه محتوای آن و نه معارف اسلامی، لذا نمی‌توان آن را از مباحث کلامی به شمار آورد، لذا ترجیح دادیم آن را با نام کلی «دین شناسی» ارایه کنیم. مقصود از دین هم در همه مباحث یکسان نیست در برخی مباحث واقعاً دین به معنای عام آن است؛ از این رو بحث صیغه فلسفه دین گرفته است مانند بحث

منشا دین، ولی در برخی مباحث، دین به معنای دین اسلام و ایمان اسلامی^۱ آمده مانند آنجا که مناسبات دین و علم، دین و عقل و کارکردهای دین تبیین شده است. اما بخش دوم شامل مباحث مکتب و ایدئولوژی است که آن هم نوعی دین‌شناسی است. در این بخش پس از بحثی عام درباره عناصر مکتب یعنی شناخت‌شناسی، جهان‌بینی و ایدئولوژی، به تبیین ویژگی‌ها و مشخصات اجمالی اسلام از این سه منظر پرداخته شده است، که در ضمن مدخلی برای ورود به مباحث بعدی در مجلدات بعدی است. می‌توان گفت مجموعه آثار استاد مطهری به طور کلی شرح ویژگی‌های جهان‌بینی و ایدئولوژیکی مکتب اسلام است که اجمال آن در این مجلد آمده و در مجلدات بعدی هر یک به تفصیل تبیین شده است. از آنجا که مباحث مطرح شده در این کتاب، بسیار پراکنده بوده، تنظیم این بخش از آرای شهید مطهری همراه با صعوبت بسیار بوده است. در واقع مباحثی که ذیل هیچ یک از عناوین دیگر نمی‌گنجید را در این مجموعه جمع‌آوری نموده‌ام؛ از این رو ممکن است سیر منطقی موردنظر که در مجلدات دیگر وجود دارد در اینجا موجود نباشد، لکن نمی‌توانستم از تدوین آن چشم‌پوشی کنم و از طرفی همه بضاعت حقیر هم همین بود، با این وجود امیدوارم که غنای محتوای آرای استاد مطهری این نقص در تدوین را جبران کرده باشد.

۱. [چنان‌که خود شهید مطهری هم بدان اشاره کرده‌اند]: مقصود ما از دین و ایمان، مطلق دین و ایمان، به هر شکل و هر صورت (اعم توحید، ثنویت، تثلیث، بت پرستی و هزاران خرافه دیگر که به نام تعلیمات دینی در جهان هست) در مقابل مطلق لادینی نیست. مقصود، دین واقعی مستند به وحی است و الا در اصطلاح قرآن شرک که لا یتغیر است هم نوعی دیانت است (پادداشت‌های استاد مطهری، ج ۴، ص ۱۲۱).